

بزرگی می پرسید که آیا از بیرون ما نیروهائی بر اراده ما اثر دارند به نه و مولانا چه میگوید

شما در کاری تصمیمی میگیرید و اراده می کنید که انحام دهید نا گاه منصرف می شوید این انصراف چیست و از کجاست؟ یعنی اینجا اراده بی اراده میشود. مولانا میگوید که حافظانی هستند که مانع اراده میشوند. اختیاری میکنی اما می بینی حبسی نمی توانی. گویا کسی نمی گذارد.

حافظانی بر ما، مسلط هستند اما شما منکرید و نامش را نشد یا نمی دانم گذاشته اید. آیا اراده ای را رها کردن و اراده دیگر را گرفتن از درون است یا بیرون؟ مثال، تصمیم گرفتی که سینما نروی ناگاه دوستی اصرار کرد و می روی این شکستن اراده از بیرون است. چرا نتواند یک عامل بیرونی غیر محسوس در ما وارد شود و اراده را بشکند؟ مولانا میگوید که نیروهائی نامحسوس بیرونی هم وجود دارد که در ما دخالت میکنند. هر انسانی یک ظرفیتی دارد حدی دارد سقف پروازی دارد

حافظان را گر نبینی ای عیار - اختیارت را ببین بی اختیار.

اختیاری میکنی و دست و پا - برگشا دستت، چرا حبسی چرا

روی در انکار حافظ برده ای - نام تهدیدات نفسش کرده ای. 2085 -